



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

دامل ، متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آیین نامه ها - جشن نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سوالات -

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال چهارم - شماره ۱۱۱۱

صفحه ۲۷۴۵

وزیر: سید محمد هاشمی

۴ شنبه ۱۷ آذرماه ۱۳۲۷

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۴۵

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

۱- بقیه صورت مشروح مذاکرات صدویست و یکمین

جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۹

۲- آگهی های رسمی ۱۱

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۳۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۱ شنبه هفتم آذر ماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب:

۱- بقیه مذاکره در برنامه دولت

۲- موقع دستور جلسه بعد - تعطیل جلسه بعنوان تنفس

مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر بعنوان (بعد از تنفس) بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

رئیس - صورت مجلس نداریم چون جلسه بعنوان تنفس ختم شده. آقای مهندس رضوی **مهندس رضوی** - نسبت باظهارات سابق خودم آنچه را که بعرض نمایندگان ملت رسانیده ام تماماً را بدون کم و زیاد تأیید میکنم فقط در یکی دو مورد توضیحاتی میدهم در يك مورد هم اصلاح میکنم در موضوع نیت استاد اینجناب یادداشت هائی نداشتم مطلبی در نتیجه تذکر یکی از آقایان نمایندگان در جلسه طنی مطرح شد و اینجناب هم عرض کردم که آنچه کار خوب کرد، باشند البته هم مورد تقدیر ملت است و هم دلیل وظیفه شناسی ایشان (صحیح است) و در عین حال گفتیم بطوریکه مشاهده میشود وشبوع دارد عده ای اشخاص زمین هائی را که اساساً نمی بایستی تصاحب شده باشد بقباله ملکیت خود در آورده اند حتی میشنویم که قبرستان و اطراف امامزاده را هم برده اند (صحیح است) بهر حال و بهر صورت بنده از آنچه راجع باین امر بطور کلی گفته ام

ذرمای منحرف نیستم ، چیزی که هست آقای جوادی مدیر کل نیت شرحی نوشته اند و در این شرح مطالب بسیار مندی هم هست که اگر بخواهم بنده تمام آن را بخوانم گمان میکنم با مقدمات مفصلی که عریض بنده پیدا کرده خسته کننده باشد و من آنرا هیناً چون حق اخلاقی ایشان است بمقام ریاست تقدیم میکنم استدعا میکنم دستور فرمایند يك نسخه آن را بهر يك از آقایان نمایندگان بدهند و اصل نسخه را به بنده بدهند (اسلامی) گزارش بازرسی کل کشور را بخوانند اگر راست میگویند جواب سؤال بنده را بدهند (بعضی از نمایندگان - جوادی مرد شریفی است) از آن گذشته در خصوص وزارت خارجه دیگر بیضاب ادامه نمیدهم ولی راجع بمطالبی که گفته ام يك نکته را لازم میدانم بصراحت عرض کنم من اینجا از يك گزارشی اسم بردم و گفتم شخصی بنام امیر اصلان یا اصلانی که من اصلاً او را نمی شناسم و اینها اطلاعاتی است که اشخاص شرافتمند بمن داده اند

این شخص چنین گزارش داده است که در يك مورد قابل توجه است اما خود بنده بهیچوجه نگفته ام و نمیگویم که گزارش دهنده آدم درستی است همچو مطلبی را نمیگویم و از همه جرایم هم خواهش میکنم که این موضوع را تصریح کنند که من نگفتم امیر اصلان آدم درستی است و راجع بقیه این آقایان مطلب را واگذار به فضاوت و رسیدگی وزیر وقت کردم ولی این را هم به آقایان عرض کنم تا دونفر آدم بدبهم نیفتند ملت از مطلبی آگاه نمیشود و در عین حال ممکن است یکی از طرفین کاملاً بی نظر و بی غرض نباشد و يك گزارشی داده باشد ، این است که خواستم عرض کنم که يك سوء تفاهمی حاصل نشود و منظور من تعریف از يك شخص بخصوص نبوده و نخواهد بود . اظهار دیگری بنده راجع بجریان پرونده بخصوص در دادگستری کردم باید توجه آقایان نمایندگان را جلب کنم که تمام آنچه را که بنده گفتم درست بوده ، پرونده در دیوان کیفر مطرح شده و رأی محکومیت صادر شده بود آن پرونده را بدیوان تمیز برنده تأسفانه دیوان تمیز این پرونده را نقض کرد مجدداً بشعبه دیگری از دیوان کیفر احاله داد در دیوان کیفر ایندقمه هم بواسطه وجود قرائن ومدارک و همچنین باید عرض کنم بواسطه وجود قضات بسیار با شرفی که بودند (صحیح است) مجدداً محکوم نمودند این جریان اخیراً اتفاقاً در زمان وزارت آقای سروری بوده طبق مدارکی که بمن آیین ارائه شد و قسمت بعد که تقاضای معافیت برای این شخص بود که

● این بقیه مذاکرات مشروح یکصد و بیست و یکمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

اداره تنه نویسی و تحریر صورت مجلس

اسم او را منحصرأ یا جزء عده دیگری برای صفی برده اند این تقاضا از طرف وزیر مقرر سالخورده آقای مافی شده است و بنده گفتیم باید دست آقای سروری را قطع کرد حرف خودم را پس میگویم (صحیح است) و عرض میکنم دست آقای نظام السلطنه مافی را باید قطع کرد و این را هم تأیید میکنم حالا توجه بفرمائید بنده اخلاقاً این مطلب را باید عرض کنم بنده چرا راجع به عافیت این اشخاص اینطور متاثر شدم در ولایت ما کرمان، این موضوع قابل توجه است خواهش میکنم دقت بفرمائید یک نفر زهیم باصلاح معل ما بواسطه شایک نفرده خان پیرمرد هشتادساله بنام کر بلائی فتح الله کشاورز بوده درست توجه بفرمائید آدم خوبی است ولی ممکن است با همسایه اش که دعوا کرده باشد بنده این را نمیدانم و میدانم او هیچ اطلاعی از جریان معاکات نداشته یک شکایتی از او میشود این شکایت آنچه معلوم بود طرف مقابل تعقیب میکند که قابل توجه است متأسفانه حالا وزیر دادگستری ناریم نمیدانم تشریف میآورند یا نمیآورند اطلاع ندارم بهر حال این مرد روی مزرعه خودش و در خانه خودش بوده تمام مراحل حکم طی میشود یعنی بدون این که این مرد را اصلاً بخواهند و بتواند از خودش دفاع بکند و اگر هم میخواهند او نمیدانست تجدید نظر یعنی چه و چه باید کرد خلاصه این مرد را محکوم میکنند یک حبس مختصری گویا ۴ ماه ولی بیشتر از حبس قابل خرید گویا حبس قابل خرید ۳ ماه است (بعضی از نمایندگان - دو ماه است) این را بچه چهار ماه حبس محکوم میکنند بنا بر این قابل اتباع نبوده درست توجه بفرمائید، از همدلیه کرمان در همان موقع و روی یک کاغذ دادستان وقت آقای فروغ پیشنهادی می کند این کر بلائی فتح الله هشتاد ساله را با یکدزد دیگری که او هم در دیوان کبفر محکومیت داشته هر دورا گزارش میکنند تقاضای عفو میکنند آن دزد هم ۶ ماه حبس محکوم بوده نزد اموال دولت بوده، برای هر کدام از اینها در وزارت دادگستری اقدام میشود آن یکی که اصلاً هیچکس فکر نمی کرده که اصلاً برایش عفو بخواهند تقاضای عفو میشود دو نلث عفو هم آن دزد دزد میگیرد استفاده از عفو هم میکند جناب آقای ساعد و اما آن دومی که کر بلائی فتح الله باشد این بیچاره را اولاً میگویند یک نلث، بنده عرض کردم آقای اعلیحضرت همایونی صورتی که از طرف وزیر مربوطه برایشان میآید ایشان مقام سلطنتشان ایجاب نمیکند که تمام پرونده ها را بخواهند و بخواهند ایشان امضا میکنند، هیچ توقیفی هم نیست که ایشان پرونده را بخواهند و بخواهند، نباید که اینطور باشد منتها این است که باید در مورد عفو جریان پرونده وسوابق آن شخص را برض ایشان برسانند که ایشان از حق قانونی که در نتیجه این که مظهر ملت هستند دارند استفاده بفرمائید البته عرض کردم اعلیحضرت همایونی هم برای این فتح الله کشاورز یک عفو قائل شدند ولی همدلیه این عفو را تبدیل کرد بیک نلث نه بدو نلث و گفت باز هم از دو مایز یادتر است و قابل خرید نیست ولی این پیرمرد هشتادساله بی تقصیر بود یعنی برف امروز

گناه بود بعنوان این که میخواهند پرونده برایش درست کنند گفتند یک روزی در مزرعه بابت کس دعواش شده درست توجه کنید بنده هم این موضوع را چند دفعه بوزارت دادگستری رفتم نوشتم خود بیچاره فتح الله کشاورز هم آمد اینجا و بنده رفتم به آقای وزیر دادگستری وقت عرض کردم ولی این پیرمرد هشتاد ساله را گمان نمیکند تا این تاریخ که بنده اینجا هستم معاف کرده باشند این پیرمرد باید برود حبس یک حبس مقدماتی سی چهل روزه هم دیده بود باین دلیل من متاثر شدم و عرض کردم این دستگاه دادگستری که پناهگاه مردم نلث و بی نلثه باید باشد درست برعکس است، یعنی کسی که پشت دیناهی دارد آنجا هم می رود کارش را هم انجام می دهد تمام مراحل را هم طی میکند بنده هم می آید خیلی هم راحت تر از من، و شماست، کسی هم که بی پشت و پناه باشد برای او عفو ممکن نمیشود، بنده خواستم ملت ایران این را بدانند و برای آقایان نمایندگان هم که گفتیم خواستم متذکر باشند که بچه دلیل بنده از این عفو ها با این طرز متاثر شدم والا بنده بیخلف عفو نیستم و دیگر در این خصوص بنده عرضی ندارم، اما موضوع دیگری که از من خیلی خواسته اند عرض کنم موضوع نان است ولی من این موضوع را با آقایان ناطقین بعد واگذار می کنم فقط بطور خیلی خلاصه عرض میکنم که موضوع نان هم یک نلث است، یک سیاست نلث است سیاست نان در حکومت های فعلی عبارت است از یک سیاست نلث بملت ایران، میگویند ما میخواهیم نان ارزان بماند ولی بجای نان یک محصول غیر خوراکی آنهم غالباً در مواقع ضرورت بطوریکه که هم نماینده اختیارشان میکنند، آن ماده مولد این محصول که آرد گندم خدادادی ایران باشد می رود از دست هائی که هیچکس نباید از آنها دفاع بکند که آنها هم در ادارات هستند که در بیرون هستند کدر طبقه خیار هستند و هم در بین روزنامه نویس و وزیر و وکیل شریک شده اند خلاصه اش اینست، بنده خلاصه کردم که نکوئید من در این خصوص برده پوشی میکنم ولی آن کسانی که اطلاعات نفیس خود را بنام متخصص گندم و متخصص غله باین مملکت تحویل میکنند و هر وقت که می نشینند خیال میکنند اطلاعات آنها این مملکت را نجات داده و جلوی گرسنگی مردم را گرفته اند من بآنها خطاب میکنم که آقایان شما باید بدانید که با جان مردم بازی میکنید و از نان مردم شکم خودتانرا سیر میکنید و همانهایی را که میگویند میخواهیم بآنها نان برسانیم روز بروز گرسنه تر از روز قبل وساعت بساعت گرسنه تر از ساعت قبل می کنید! بنده میخواستم راجع به طرز عمل غله عرض کنم که این عمل اصلاً غلط است که دولت نباید بگوید من این کالا را باین قیمت لازم دارم آنهم با این دولتهائی که ما داریم و این تشکیلاتی که در مملکت است... این گیلان را من میدانم که قیمتش دو تومان است ولی حتماً باقا بدم ۷ ریال واضح است که اگر من بیست گیلان داشته باشم خیلی که بدم دوتا است یعنی خیلی که مجبور باشم دودانه را باقا بدمم و آن بیچاره ای هم که دو تا گیلان دارد که آقا حتماً بکندانه اش را میگیرد، بنا بر این ملاحظه بفرمائید که ایجاد این بازار سیاه و این وضع از وسائل کهنه کلان اموری این مملکت است و فقط برای

سوه استفاده است، فقط برای سوه استفاده! ممکن است بن بگویند قیمت غله را ببریم بالا من میگویم یا انحصار کامل بکنید (صحیح است) و از همه ملت و همه مملکت گندم را بیک قیمت بخرید (صحیح است) یا اقل بگوئید من این قیمت بخرم هر که میل دارد بیاید بفروشد، این یک مطلب، مطلب دیگر که خیلی مملکت ایران را متاثر کرده بود این حوزه بندیها و این تقسیم بندیها و جلوگیری از حمل گندم است آقای وزیر آمدند اینجا و با ایشان اختیار داده شد یعنی بیست هاد آقای دکتر مظنی و همکاری دوسه نفر از ماها که بکابینه ایشان هم رای نمیدادیم هم مالکین این مجلس همه همراهی کردند، موافقت کردند، با ایشان اختیار داده شد که هر کدام میخواهند توقیف کنند، بگیرند ببندند، این اختیار را مجلس بایشان داد، اینها چه کردند؟ لازمه این کار چیست؟ اولاً عرض کنم نمی خواستم وارد این مطلب شوم ولی چون این مطلب را لازم میدانم، مسئله حیاتی است برای مردم عرض کنم فرض بفرمائید جمع آوری غله را در شهرستان اردبیل هیچ لازم نیست مأمورین نوبی دعوات بروند مأمور صحیح العملی که در اردبیل بود ۶ روز ۷ روز، در اردبیل بماند باهفت هشت نفر در آنجا ملاقات بکند و مشورت بکند از تمام املاک اردبیل، از هوایه املاک، از تثبیت غلاتی که در آنجا هست اطلاع حاصل میکند، بقیه آقایان را دعوت میکند و اطلاعات خودش را که دارد اگر فرض ندارد مطلب یعنی مقدار غله مالکین در آن جلسه روشن میشود زیرا اگر بظلمت یک نفر را بگویند توده خروار داری و دیگری را کمتر گفته باشند او میگوید اگر من ده خروار دارم پس این آقا صد خروار دارد بعنوان مثال عرض میکنم بنابر این میتوانی باینکه در دوره کدخداهائی این عمل را انجام بدهی و در حوزه هم هیچ لازم بگرفت و گیر نیست قانون اجازه داده که اگر شخصی باید تهدد بدهد باید بدمد و اگر نداد قانون اختیاراتی داده و میتواند اناش را ببندند حتی خود او را توقیف بکنند اما چرا راه حوزه را می بندند؟ من حالا عرض میکنم، میخواهند در اردبیل یا در کمره یا در هر نقطه ای از ایران گندم جمع کنند، چکار میکنند؟ میگویند این جا حمل و نقل گندم اساساً ممنوع، درست توجه بفرمائید، گریه آرد است (صحیح است) میگویند حمل و نقل گندم ممنوع، شروع هم میکنند به بند و بست اولاً البته میدانید که هجالت قانونی بیست هاد بنده و بطلب آقایان گذشت که تا سه تن را مازاد نگیرند تفسیرش را بطور کردند حالا کاری نداریم، چون من اطلاع زیادی از تفسیرش ندارم، قانونی را که وضع میکنیم نتیجه عملی آن را میخواهیم، حالا هم از آقای مهران که مأمور این کار شده اند و بسیار مرد مطلق هستند میخواهم که طوری بکنند که فوری این دستگاه کتیب اصلاح بشود، میخواهم که این موضوع را دقت بکنید که چگونه عمل میکنند، بهر حال میگویند این قذف است، چرا قذف است آقا؟ آیا خیال می کنید عقل سلیم این آقایان متخصصین غله بکمرته بنفع مردم فکر میکند؟ وقتی غدق شد قیمت آزاد در داخله می آید باین

چرا میآید باین؟ برای اینکه آن که حقیقت فقیر است احتیاج دارد سوخت زمستانش را میخواهد تهیه کند یا در مقابلش یک کلاهی خوراکی دیگر میخواهد ببرد و توی خانه اش بگذارد، آن که میخواهد یک قرمه درست بکند و توی خانه اش بگذارد، آن ناچار است که غله اش را بآن هدای که در آن حوزه خریدارند بدهد اینها کی هستند؟ اینها متولین هستند باین دلالتی هستند که از خارج با اطلاع قبلی بعضی از مأمورین غله بآن جا وارد شده اند از دست این اشخاص بی بضاعت آنچه را که غله دارند بگیرند این را هم شما میدانید که دهائی فقیر ایرانی که نمی فهمند چرا گندم آمده است یا این عقلش نمیرسد که ده مالکین این مجلس همه همراهی کردند، موافقت کردند، با ایشان اختیار داده شد که هر کدام میخواهند توقیف کنند، بگیرند ببندند، این اختیار را مجلس بایشان داد، اینها چه کردند؟ لازمه این کار چیست؟ اولاً عرض کنم نمی خواستم وارد این مطلب شوم ولی چون این مطلب را لازم میدانم، مسئله حیاتی است برای مردم عرض کنم فرض بفرمائید جمع آوری غله را در شهرستان اردبیل هیچ لازم نیست مأمورین نوبی دعوات بروند مأمور صحیح العملی که در اردبیل بود ۶ روز ۷ روز، در اردبیل بماند باهفت هشت نفر در آنجا ملاقات بکند و مشورت بکند از تمام املاک اردبیل، از هوایه املاک، از تثبیت غلاتی که در آنجا هست اطلاع حاصل میکند، بقیه آقایان را دعوت میکند و اطلاعات خودش را که دارد اگر فرض ندارد مطلب یعنی مقدار غله مالکین در آن جلسه روشن میشود زیرا اگر بظلمت یک نفر را بگویند توده خروار داری و دیگری را کمتر گفته باشند او میگوید اگر من ده خروار دارم پس این آقا صد خروار دارد بعنوان مثال عرض میکنم بنابر این میتوانی باینکه در دوره کدخداهائی این عمل را انجام بدهی و در حوزه هم هیچ لازم بگرفت و گیر نیست قانون اجازه داده که اگر شخصی باید تهدد بدهد باید بدمد و اگر نداد قانون اختیاراتی داده و میتواند اناش را ببندند حتی خود او را توقیف بکنند اما چرا راه حوزه را می بندند؟ من حالا عرض میکنم، میخواهند در اردبیل یا در کمره یا در هر نقطه ای از ایران گندم جمع کنند، چکار میکنند؟ میگویند این جا حمل و نقل گندم اساساً ممنوع، درست توجه بفرمائید، گریه آرد است (صحیح است) میگویند حمل و نقل گندم ممنوع، شروع هم میکنند به بند و بست اولاً البته میدانید که هجالت قانونی بیست هاد بنده و بطلب آقایان گذشت که تا سه تن را مازاد نگیرند تفسیرش را بطور کردند حالا کاری نداریم، چون من اطلاع زیادی از تفسیرش ندارم، قانونی را که وضع میکنیم نتیجه عملی آن را میخواهیم، حالا هم از آقای مهران که مأمور این کار شده اند و بسیار مرد مطلق هستند میخواهم که طوری بکنند که فوری این دستگاه کتیب اصلاح بشود، میخواهم که این موضوع را دقت بکنید که چگونه عمل میکنند، بهر حال میگویند این قذف است، چرا قذف است آقا؟ آیا خیال می کنید عقل سلیم این آقایان متخصصین غله بکمرته بنفع مردم فکر میکند؟ وقتی غدق شد قیمت آزاد در داخله می آید باین

چرا میآید باین؟ برای اینکه آن که حقیقت فقیر است احتیاج دارد سوخت زمستانش را میخواهد تهیه کند یا در مقابلش یک کلاهی خوراکی دیگر میخواهد ببرد و توی خانه اش بگذارد، آن که میخواهد یک قرمه درست بکند و توی خانه اش بگذارد، آن ناچار است که غله اش را بآن هدای که در آن حوزه خریدارند بدهد اینها کی هستند؟ اینها متولین هستند باین دلالتی هستند که از خارج با اطلاع قبلی بعضی از مأمورین غله بآن جا وارد شده اند از دست این اشخاص بی بضاعت آنچه را که غله دارند بگیرند این را هم شما میدانید که دهائی فقیر ایرانی که نمی فهمند چرا گندم آمده است یا این عقلش نمیرسد که ده مالکین این مجلس همه همراهی کردند، موافقت کردند، با ایشان اختیار داده شد که هر کدام میخواهند توقیف کنند، بگیرند ببندند، این اختیار را مجلس بایشان داد، اینها چه کردند؟ لازمه این کار چیست؟ اولاً عرض کنم نمی خواستم وارد این مطلب شوم ولی چون این مطلب را لازم میدانم، مسئله حیاتی است برای مردم عرض کنم فرض بفرمائید جمع آوری غله را در شهرستان اردبیل هیچ لازم نیست مأمورین نوبی دعوات بروند مأمور صحیح العملی که در اردبیل بود ۶ روز ۷ روز، در اردبیل بماند باهفت هشت نفر در آنجا ملاقات بکند و مشورت بکند از تمام املاک اردبیل، از هوایه املاک، از تثبیت غلاتی که در آنجا هست اطلاع حاصل میکند، بقیه آقایان را دعوت میکند و اطلاعات خودش را که دارد اگر فرض ندارد مطلب یعنی مقدار غله مالکین در آن جلسه روشن میشود زیرا اگر بظلمت یک نفر را بگویند توده خروار داری و دیگری را کمتر گفته باشند او میگوید اگر من ده خروار دارم پس این آقا صد خروار دارد بعنوان مثال عرض میکنم بنابر این میتوانی باینکه در دوره کدخداهائی این عمل را انجام بدهی و در حوزه هم هیچ لازم بگرفت و گیر نیست قانون اجازه داده که اگر شخصی باید تهدد بدهد باید بدمد و اگر نداد قانون اختیاراتی داده و میتواند اناش را ببندند حتی خود او را توقیف بکنند اما چرا راه حوزه را می بندند؟ من حالا عرض میکنم، میخواهند در اردبیل یا در کمره یا در هر نقطه ای از ایران گندم جمع کنند، چکار میکنند؟ میگویند این جا حمل و نقل گندم اساساً ممنوع، درست توجه بفرمائید، گریه آرد است (صحیح است) میگویند حمل و نقل گندم ممنوع، شروع هم میکنند به بند و بست اولاً البته میدانید که هجالت قانونی بیست هاد بنده و بطلب آقایان گذشت که تا سه تن را مازاد نگیرند تفسیرش را بطور کردند حالا کاری نداریم، چون من اطلاع زیادی از تفسیرش ندارم، قانونی را که وضع میکنیم نتیجه عملی آن را میخواهیم، حالا هم از آقای مهران که مأمور این کار شده اند و بسیار مرد مطلق هستند میخواهم که طوری بکنند که فوری این دستگاه کتیب اصلاح بشود، میخواهم که این موضوع را دقت بکنید که چگونه عمل میکنند، بهر حال میگویند این قذف است، چرا قذف است آقا؟ آیا خیال می کنید عقل سلیم این آقایان متخصصین غله بکمرته بنفع مردم فکر میکند؟ وقتی غدق شد قیمت آزاد در داخله می آید باین

یک دستگاه متشکل و متمرکز و عظیمی است آقا چه بشما بگویم مطالعاتی که من داشته ام و فعلاً بدلائی خود داری میکنم اگر این دلایل را افشاء بکنم شمای ببینید «الکابین» و «استاوسکی» و «تام» کانگسترهای امریکا باید بیایند این جا درس بگیرند! آقا چرا باید بیایند درس بگیرند؟ برای اینکه در آنجا دولت با آنها همدست نیست الکابین و کانگسترهای امریکا میروند خودشان و رفقای دیگرشان را بخطر میاندازند و میروند یک باندی درست میکنند ولی اینجا مجبور نیستند که اصلاً باند درست کنند خود دولت با آنها همدست است زیرا فقط یک بند و بست لازم دارد و در اینجا الکابین شدن هم خیلی مفیدتر است و آسانتر! متأسفانه بنده برای اینکه تشنج ایجاد نشود نمیخواهم بسوابق موضوعات وارد بشوم، بهر حال آقایان متصدیان امر نه تنها وزرائی که این جا نشسته اند آن کسانی که بنام سابقه و اطلاعات سالها است در این قبیل امور مملکت مداخله میکنند اینها بدانند که ما بخوبی می بینیم چه میکنند و بروز این ملت چه میآورند! و برای چه میکنند؟ فقط برای پر کردن جیب است و بس و بس، چون می خواهم بهر حال و بهر صورت در جلسه امروز مطالب خودم را بکلی تمام کنم وظیفه ملی من است که راجع باستان خودم چند کلمه عرض کنم، از آقایانی که توجه فرمودند به این عرایض من تقاضا میکنم که آنچه راجع باستان کرمان می گویم و بیش ازینج دقیقه از وقت شمارا نمیگیرد توجه بفرمائید، بذل لطف بفرمائید، آقایان بطور مثال میگویند استان کرمان فقیر است آقایان محترم من بشما عرض میکنم که استان کرمان یکی از غنی ترین استانهای مملکت است، فقیر دست حکام، فقیر دست صاحبان، فقیر دست مأمورین و فقیر دست تبهائی کنندگان با اینهاست و الا خود استان کرمان آقایان محترم بدانند هندوستانی است یعنی یک هندوستان ایرانی است در کرمان شما انواع اقلیهها را دارید اولاً برخلاف آنچه در ایران معروف است غیر از نواحی کرمان خود کرمان شهرش از بهترین و خوش آب و هواترین نقاط ایران است ولی در همان استان کرمان نقاط گرمسیری هم هست که غالب آنها را نیشود گفت که از نقاط نامساعد برای زندگانی است شما در کرمان جلگه های آبادی دارید یا لا اقل قابل آبادی که میتوانی چهار یا پنج برابر سکنه اش که فعلاً در آن محل هستند بخوبی نان بدهید رفاه بدهید آسایش بدهید شما در کرمان جیرفت دارید که اصلاً نمونه آن در تمام مملکت فکر میکنم پیدا نمیشود شما در کرمان نواحی دارید بین رودبار و بشایر که اصلاً از آن نواحی هیچ خبر ندارید حتی در تمام حکومت دوره اعلیحضرت فقید کسی نمی توانست به بشایر برود (بشایر ابراهیمی - اسمش بیابان است) همین بیابان است که مامن و ممکن آن کسانی است بالا اقل بوده که ایرانیان را مورد معامله قرار میدادند و دیروز در اینجا اشاره کردم ولی آنها هم همیشه ناچار بودند با بعضی از مأمورین دولت سر و کار پیدا کنند یک چنین استانی است من اگر اینجا تاریخ میگویم جغرافی میگویم اولاً حق ندارم بعد از این همه مطالب کلی سرشا را درد بیاورم ولی خواهش میکنم قبل از اینکه من عرایض تمام

واردش نمیشود دیدند که ایشان مغلوب شده اند خیال افتادند چون که دیدند ایشان مرد فوی ، مرد باستمدار مرد جرخاننده ، مجلسهای گذشته و باین عنوان ساخته شده اند در خانه نشسته اند و یک حوزه هم آزاد شده چه عیب داد که ایشان را بمجلس بفرستیم ، تا این جا را هم بنده قبول دارم و هیچ ایرادی ندارم ، این آقایان حرکت کردند پورش آوردند روی حوزه سیرجان ، انومبیل بردند ، کامیون بردند ، افراد بردند ، اشخاص بردند ، من تا اینجا را هم هنوز اعتراض ندارم خوب توجه بفرمائید ، در آن تاریخ ما حقیقه هنوز درست روشن هم نبودیم چون جریان باندازه سریع بود که ما خوب ملتفت نبودیم و مطمئن نبودیم که آنها برای ایشان کار میکنند . یک اتفاق دیگری هم در آنجا افتاد که بنده باید حتماً اینها را بگویم چون ممکن است آقایان خیال کنند که من از لحاظ خصوصی میگویم ، ولی خدا میداند فقط از لحاظ صلاح مملکت است چون بنده همانطور که عرض کردم باید اعلام کنم همانطور که در نزداداری زمینه هستند موافقتی دارند ، مخالف هم دارند مخالفین ایشان هم راه افتادند ، آنها هم انومبیل بردند ، کامیون بردند ، عده بردند ، پول بردند اینها همه میروند سیرجان ، سیرجان حالا کجا است ، سیرجان مرکز یک شهرستان خیلی آباد است که اتفاقاً بواسطه ناامنی و بواسطه طمع و حرص افسران شاهنشاهی که همیشه در آنجا با شرار و سرگردانه بگیرها همدست شده اند و مردم را چاییده اند و چند نفر خان و تاجر را آنجا تقویت کرده اند بکلی این حوزه را از یاد آورده است ، آقا تمام ثروتی که سیاه پوش از سکرمان آوردن می توانم بگویم که قسمت عده اش را از آن محل آورده است ، اسامی دیگری هم میتوانم بگویم ولی بهتر است که نگویم ، این سیرجان است ، حالا مردم سیرجان چه وضعی دارند؟ مردم سیرجان مردم فقیر و گرسنه و گرفتار و بی نان و بدبختی هستند ، جایی که قنوت متعدد آن ، آقای دکتر شوق شاک دلاخه ، با مور کشاورزی نشان میدهند آقایان ضیاء ابراهیمی چقدر است ؟ (ضیاء ابراهیمی - معروف است دوازده هزار رشته قنات دارد) میگویند دوازده هزار رشته قنات دارد و فعلاً بایر است این مردم که با وجود یک چنین وضع طبیعی و عوامل طبیعی گرسنه بودند دیدند آقا دو دسته وارد شدند یک عده ای داد میزنند و فریاد می کشند و پرویا کاند میکنند که حتماً آقای دکتر طاهری رأی بدهد ، یک عده هم داد میزنند و پرویا کاند می کنند حتماً آقای دکتر طاهری رأی ندهد . حالا از آقایان قضاوت میخواهم و وجدان شما را حکم قرار میدهم آن مرد دهانی چه جور فکر میکند و چه جور قضاوت میکند (دکتر مظلمی - بیک نفر از اهل محل رأی میدهد) باید به یک نفر از اهل محل رأی بدهد من که وکیل کرمان بودم چه وظیفه داشتم ؟ من هم میبایستی از اهل محل خودم آن کسی را که در ایجاداری زمینه میدانم تقویت کنم ، این قضاوت من نیست قضاوت تمام اهالی کرمان و تمام نمایندگان کرمان بود و بهیچوجه اختلافی در این موضوع بین نمایندگان کرمان نبود ، با حفظ احترام بشخص آقای دکتر طاهری ما ناچار شدیم متأسفانه در مقابل ایشان مقاومت کنیم حتی من در این جا گفتم و

باز هم میگویم که باین طریق نمیتوانیم راه بدهیم مهمان ناخوانده را هر چند این مهمان گرامی باشد مثل آقای دکتر طاهری ، دیگر از این مهمتر و واضعتر ، آقای دکتر طاهری را بنده خودم چند روز قبل دعوت کردم تشریف آوردند منزل من ، از یکی از نمایندگان کرمان هم خودم دعوت کردم که تشریف من آقای ساعد را که این جا تشریف دارند و میدانم که با ایشان مربوط هستند مخاطب قرار میدهم نه بنام من که همیشه آقای زنده را تقویت کرده ام و حالا هم میکنم و ایشان را یکی از شریفترین مردم این کشور معرفی میکنم (صحیح است) ولی از طرف مردم کرمان عرض میکنم شما باید با مردم کرمان کار کنید هیچ راهی ندارید شما باید با آن ستمی که اولاً از طرف ملت و مجلس و قبلاً از طرف اهل بجز حضرت همایونی بنا بر وظیفه قانونی که دارم و بشما سپرده شده با ایشان یعنی آقای زنده را بخواهید بیاورید نمایندگان کرمان را هم بخواهید بیاورید با کمک و موافقت همه نمایندگان کرمان تشریف ببرند یا بطور حتم یک شغلی کدوون مقام ایشان نباشد و حتی نسبت با ستانداری کرمان رجحان داشته باشد به ایشان عرضه بدارید یعنی اعطای بفرمائید که ایشان قبول کنند آنوقت برای ما هم یک فکری کردم و اگر بنده مخالفتی با آقای دکتر طاهری داشته باشم روی اصول است و ممکن است این مخالفت خیلی هم شدت داشته باشد و هم ممکن است محبت با ایشان داشته باشم ، ارادت داشته باشم از نظر ارادت خانوادگی و قرابت با زدی اینها مطالب بکلی جدای از آن پرونده و از آن موضوع است و این جا مخصوصاً از طرف همه همکاران عرض کردم این یک مطلبی است و بنده دیگر بیشتر از این موضوع را باز نمیکنم ولی عرض میکنم در نتیجه این پیش آمد ما دو نفر مأمور خوب را در کرمان از دست دادیم یعنی فعلاً هر دو را کاملاً از دست دادیم یکی آقای سرتیب حجازی بود که این مرد بر خلاف افسران گذشته شریک اشراش محل نبود مثلاً یکی از اشراش آنجا مراد علیمراد بود شاید تیسار هم خوب بشناسند تعقیب هم کردند برای منکوب کردن او و دستگیری او این چیز مهمی نیست وقتی که میگویند که ارتش ما رفته ، مغلوب کرده منکوب کرده اینها را برای آدمهای بی اطلاع میگویند والا هر وقت ارتش بخواهد با عده مدودی میتواند امنیت را تأمین کند (صحیح است) و با عده نفر سرباز و یک نفر افسر و وظیفه شناس میتواند اغلب این عمل ها را اصلاح کرد (صحیح است) (کنج - رئیس امنیه کرمان را هم بفرمائید) رئیس امنیه ما هم آقای سرهنگ شقایق که از آذربایجان با داده بودند این مردم تا این تاریخ از روزی که بانجا رفته ما هیچ چیز از او بجز خوبی ندیده ایم (صحیح است) عرض کنم خدمتتان به حال این آقای سرتیب حجازی بواسطه همین پیش آمد و در همین حال بواسطه مسافرتی که در حضور اهل بجز حضرت همایونی کرد بواسطه اینکه یک خدمت بهتری یا ایشان رجوع کردند از کرمان رفت حالا فرامانده دیگری رفته است آقای احمد سرتیبی ، من با ایشان از همین جا میگویم که آن رویه ابر از ایشان انتظار داریم که از اخلاق ظاهر ایشان هم دیدیم وصلاً هم منتظریم که از ایشان نتیجه ببینیم . و اما یک مأمور بسیار کدامن و بسیار شریف که با سرار همه نمایندگان کرمان بانجا رفته بودند و آن آقای ابراهیم زنده است (صحیح است) (دکتر مظلمی - بسیار مرد شریفی است) آقای ابراهیم

زندمکرر وزیر بودند ، مصدر خدمات مختلف او را در بانک ملی شاید بودند ، در عدلیه بودند در کشاورزی بودند ، در دربار بودند همیشه و همه وقت از ایشان بشغوبی یاد شده (صحیح است) در نتیجه همین اختلافاتی که در آنجا حاصل شده و نه در نتیجه چیز دیگر متأسفانه مدتی است که ایشان در این جا هستند من آقای ساعد را که این جا تشریف دارند و میدانم که با ایشان مربوط هستند مخاطب قرار میدهم نه بنام من که همیشه آقای زنده را تقویت کرده ام و حالا هم میکنم و ایشان را یکی از شریفترین مردم این کشور معرفی میکنم (صحیح است) ولی از طرف مردم کرمان عرض میکنم شما باید با مردم کرمان کار کنید هیچ راهی ندارید شما باید با آن ستمی که اولاً از طرف ملت و مجلس و قبلاً از طرف اهل بجز حضرت همایونی بنا بر وظیفه قانونی که دارم و بشما سپرده شده با ایشان یعنی آقای زنده را بخواهید بیاورید نمایندگان کرمان را هم بخواهید بیاورید با کمک و موافقت همه نمایندگان کرمان تشریف ببرند یا بطور حتم یک شغلی کدوون مقام ایشان نباشد و حتی نسبت با ستانداری کرمان رجحان داشته باشد به ایشان عرضه بدارید یعنی اعطای بفرمائید که ایشان قبول کنند آنوقت برای ما هم یک فکری کردم و اگر بنده مخالفتی با آقای دکتر طاهری داشته باشم روی اصول است و ممکن است این مخالفت خیلی هم شدت داشته باشد و هم ممکن است محبت با ایشان داشته باشم ، ارادت داشته باشم از نظر ارادت خانوادگی و قرابت با زدی اینها مطالب بکلی جدای از آن پرونده و از آن موضوع است و این جا مخصوصاً از طرف همه همکاران عرض کردم این یک مطلبی است و بنده دیگر بیشتر از این موضوع را باز نمیکنم ولی عرض میکنم در نتیجه این پیش آمد ما دو نفر مأمور خوب را در کرمان از دست دادیم یعنی فعلاً هر دو را کاملاً از دست دادیم یکی آقای سرتیب حجازی بود که این مرد بر خلاف افسران گذشته شریک اشراش محل نبود مثلاً یکی از اشراش آنجا مراد علیمراد بود شاید تیسار هم خوب بشناسند تعقیب هم کردند برای منکوب کردن او و دستگیری او این چیز مهمی نیست وقتی که میگویند که ارتش ما رفته ، مغلوب کرده منکوب کرده اینها را برای آدمهای بی اطلاع میگویند والا هر وقت ارتش بخواهد با عده مدودی میتواند امنیت را تأمین کند (صحیح است) و با عده نفر سرباز و یک نفر افسر و وظیفه شناس میتواند اغلب این عمل ها را اصلاح کرد (صحیح است) (کنج - رئیس امنیه کرمان را هم بفرمائید) رئیس امنیه ما هم آقای سرهنگ شقایق که از آذربایجان با داده بودند این مردم تا این تاریخ از روزی که بانجا رفته ما هیچ چیز از او بجز خوبی ندیده ایم (صحیح است) عرض کنم خدمتتان به حال این آقای سرتیب حجازی بواسطه همین پیش آمد و در همین حال بواسطه مسافرتی که در حضور اهل بجز حضرت همایونی کرد بواسطه اینکه یک خدمت بهتری یا ایشان رجوع کردند از کرمان رفت حالا فرامانده دیگری رفته است آقای احمد سرتیبی ، من با ایشان از همین جا میگویم که آن رویه ابر از ایشان انتظار داریم که از اخلاق ظاهر ایشان هم دیدیم وصلاً هم منتظریم که از ایشان نتیجه ببینیم . و اما یک مأمور بسیار کدامن و بسیار شریف که با سرار همه نمایندگان کرمان بانجا رفته بودند و آن آقای ابراهیم زنده است (صحیح است) (دکتر مظلمی - بسیار مرد شریفی است) آقای ابراهیم

خوبی است من خودم شخصاً دوستش دارم ولی از نظر کرمان من دشمن کرمانش میدانم (نراقی - دشمن کاشان هم هست) من آقا حقیقت را میگویم من هیچ نظر خصوصی با کسی ندارم و تعارف هم با هیچکس ندارم ، این آقا متمرد است که در هیئت مدیره اشخاص زیادی هستند با او تمایل میکنند ، اینها صاحب است و من باینها کاری ندارم بیعت مدیره فرس چند نفر اضافه میکنند یا نمیکنند کاری ندارم و این دلیل نمیشود من میخواهم از شرکت فرس بیرسم آبا شما یک کارگاه قالبیابی که بشود گفت شایسته یک مملکتی که میخواهد انسان باشد متمرد هم نمیگویم شما تأسیس کرده اید ؟ شما مزد کارگر قالبیابی کرمان را هیچ فکر کردید که باید نان بخورد ؟ شما خودتان را مربوط کردید بقاطعه کارهای جزه کرمانی ؟ و آنها هم برای امرار معاش چه میکنند غیر از اینکه اطفال و دختران و پسران مردم را بیاورند و آنها را قبل از آفتاب تا بعد از غروب آفتاب در محلی که هوای کم و نور آفتاب هم کم و یا هیچ ندارد آنهم در یک شهری مثل سکرمان که عرض کردم چه قطعه خوش آب و هوایی است و باید مردم از آفتاب و هوای آن کدر انحصار آقای گنکشایان و آقای اشرفی نیست (منظور از انحصار که عرض کردم انحصار تجارتنی است) استفاده بکنند خوب آقا چه باید بکنند ؟ او هم که برایش مقدور نیست ، چرا مقدور نیست ؟ اگر اینها گرسنه نبودند که هیچوقت خودشان را و خانواده شان و بچه ها و پسرهای خودشان نمیفرستادند آنجا که بنشینند و قالی بافی کنند ، این قالی چه میشود آقا ؟ این قالی میباید این جا و همین قالبهایی است که می بینید ممکن است شما از بنده بیرسید که چرا قالی بافهای صده کرمان اعتراض نمیکنم ، در کرمان قالی بافهای صده خوب هستند که یکی از آنها آقای ارجمند است که آدم بسیار خوبی است هم قالبهای بسیار خوب دارد هم خودش بعد خودش یک کمک هائی می کند آقایان رشید فرخی داریم هنری داریم کار بخش داریم (ضیاء ابراهیمی - مرحوم کار بخش فوت کرده در سفر حج) حالا مقصودم چه بود ؟ آقا از کسی که خودش تصدی خصوصی دارد در موقعیکه دولت خودش هیچ اقدامی نمیکند نباید توقع کرد که تو بیا اصول بهداشت اصول انسانیت و اصول فنی را رایج کن او اولاً باندازه ای که سرمایه اش بخش اجازه میدهد اقدام میکند تا بیا باندازه ای که بتواند تجارت کند ولی شرکت فرس که برای تجارت ایجاد نشده بود ، شرکت فرس گفتند تو فرس را بمنای هنر و صنعت احیاواز کن این وضع مفتضح که از حیث صنعت پیدا کرده و گذشته نسل ایرانی است نجات بنده ، بنده عرض می کنم که این شرکت کار خوبی است ولی عرض کردم اثر وجودش برای مردم آنجا هیچ است اخیراً ملاحظه بفرمائید مخالفت آقای قزوینی ولی با کمک آقای دکتر جزایری و مهندس نفیسی ما توانستیم این کارگرا را بیه کنیم ، خیال نکنید که اینها واقماً بیه شدند و حالا دوا و همه وسایل در اختیارشان است غیر آقا اینها نان ندارند کدشا بیه شان کنید ولی عیاله یک قدمی گذاشته شده ولی خدا میداند آنجا را هم چند دغه کمسیون کردیم به همه آقایان نمایندگان رقتیم و گفتیم و شما تأسیسات و آبادیهای فراوانی در مملکت شروع و

آنها با مخالفت آقای قزوینی ، حالا بنده حق دارم بگویم آقای قزوینی ممکن است آدم خوبی باشد؟ ممکن است آهسته صحبت کند ؟ ممکن است یک روزی در انگلستان تجارت هم داشته ، ممکن است خودش شخصاً در دلت آدم خوبی باشد ولی عملش اولاً نشانه یک قساوتی است نسبت با اطفال و زنان کرمان و سایر نقاطی که این صنعت هست و تا بیا اصلاح وظیفه ایرانیت در او دیده نمیشود و از صنعت فرس هم گمان میکنم اطلاع کافی نداشته باشد باید جناب آقای گلکشایان در شرکت فرس یک نفر را مأمور بفرمائید و باو بفرمائید که من میخواهم تو بعنوان نماینده دولت در کرمان یک کاری بکنی که صنعت فرس باقی بماند ولی باسرت وضع اقتصادی و بهداشتی کسانی که فرزند این ملت هستند بقالی میبازند بگوید پیدا کند ضرر میکند ؟ ضررش را میدهم مگر ضرر های دزدیهای غله را مملکت نمی دهد مگر ضرر های دیگر را مملکت نمیدهد مگر لاروسولهای بانک کشاورزی را مملکت نمیدهد ؟ (وزیر جنک بودجه بانک سیف علیجده است) مگر لاروسولی های بانک سیف را مملکت نمیدهد ؟ راجع باینکه سیف مگر بانک رهنی را لاروسولش را مملکت نمیدهد ؟ میگویند از حقوق افسران است و از تقاعد افسران میدهند بالاخره برای ما فرق نمی کنند از این مملکت از فرزندان این مملکت گرفته شده دولت و مملکت فرق ندارد آقای سپهبد احمدی پول مال مملکت است هر جا باشد مال مملکت است ، پولی را که بدست شما میدهند مال مملکت است بدست آقای وزیر بست و تلگراف هم بدهند مال مملکت است برای ما پول در وزارت جنک یا وزارت بست و تلگراف تغییر شکل نمیدهد خوب آن حقوق خودش اینهم پول خودش است امروز بعمده الله همه افسران را شما با از دولتی انومبیل های نو خریدید بهشان دادید خوب من که بخیل نیستم ولی شما که همه این لاروسولهای مملکت را میدهند همه این ضرر ها را میدهند همه این تجلات مملکت را میدهند بگذارید ده میلیون بیست میلیون ۵۰ میلیون تومان هم خرج کنند کارگر قالی باف کرمانی را نجات دهند آقایان مجلسیان اگر بشما بگویند که ۵۰ میلیون تومان بکار کران قالبیابی کمک کنید شما نمیدهد ؟ (عده ای از نمایندگان - چرا) (بعضی از نمایندگان - بوسیله شرکت فرس خیر) ولی بنده ادعای کنم که باندبیر وبدون تحمل یعنی بدون اینکه قالی کرمان را که امروز رسیده ده روز پیش تباخی کرده باشند و فروخته باشند کاملاً میشود این دستکارها چرخاند و کوچکترین تعمیلی هم نکرده این دستکارها را هم بتدریج اصلاح کرد.

حتی بانجام برسانید بدون اینکه کوچکترین رفاهی در وضع مردمان فقیر این مملکت ایجاد شود چون ممکن است این قسمت از مطلب من مبهم و حاسکی از بدبینی تعبیر شوند ناچارم شما را باز با وایل دوره اهل بجز حضرت فقید متوجه کنم زیرا در آن موقع ایرانیان از بی ترتیبی دولت وعدم بسط اقتدار قانونی مرکز در ولایات خسته شده بودند هر گونه پیشنهاد اصلاحی با کمال شوق ذوق از طرف مردم استقبال میشد و تنها عنوان یک اصلاح بله فقط عنوان یک اصلاح قلوب ملت ایران را بهیچان میآورد و چنانچه شما به مطالعه جراید آن ایام چند ساعت صرف وقت کنید ملاحظه خواهید کرد که وقتی صحبت از تأسیس کارخانجات بافتندگی یا برقراری راه آهن سرتاسری پیش آمد قاطعه ملت ایران تنها از شنیدن این عنوان در پوست نمی کنجید اسم راه آهن اسم کارخانه ، تأسیس صنایع جدید ، و بهره برداری معادن مردم را هر روز از روز پیش شایق تر و امیدوار تر می نمود همه راضی بودند که ایران عزیز پس از تمدن درخشان قدیم و رخوت قرون اخیر اکنون بشاهراه تمدن جدید خواهد رسید و بسیار می گفتند خود بانجناب در مقامات و بعضی کتابها دیدم که ملاحظه بانده سال از رویا و عیب هستیم و آن راهم بزودی طی خواهیم کرد اما راجع به نتیجه عملی که برای ملت ایران حاصل شد چه عرض کنم اینقدر که میگفتند راه آهن از هر جا بگذرد آبادی درست میکند آیا شما در سراسر راه آهن فعلی ناحیه ای خواهید یافت که بواسطه عبور این خط حمل و نقل بتوان آن را مسکن یک عده مردمان نیمه راحت تلقی کرد حالا راجع به آهن مطلبی نگفته و تذکراتی نمیدهم زیرا اگر بخواهم بگویم کمسیر این خط بنظر بسیاری از مردمان دقیق بیشتر برای همین جنک اخیر بود و اگر بگویم عقیده دارم کسانی که در طرف این خط همکاری نمودند در طرح اولیه بنحو دیگری وضع آنها پیش بینی میشد مطلب بدرزا میکنند بهر حال با تأسیس راه آهن بخواهد عمومی چیزی اضافه نشد . حتی بی لیاقتی و ضعف اولیای امور و شاید هم خیانت آن ها در همین موقع جنک باعث شد « حقوق ما در مقابل متفقین بکلی و مطلقاً بیامال شود هم من متحیرم چگونه ممکن است حمل میلیون ها تن کالا بجای این که دهها و صدها میلیون لیره طلا در ایران بیاورد و با برانی بدهد متحیر شد باینکه تمام دستگاه راه آهن از بین رقت و تازه دوازده میلیون دلار بعنوان سر راهی بآمریکائیها داده شود و اکنون می شنوم که میخواهند آن را بعنوان کمک فرهنگی بیا باز دهند چه لازم بود که آن کالا را بآن گرانی بیا بدهد دوچه لازم است که بسا کمک فرهنگی کنند ما فقیر نیستیم ما معادن و وسایل ثروت داریم و از همه بالاتر نفتا که بتوانیم از ثروت خود استفاده خواهیم کرد و رنتوانستیم بهتر است که همین وضع بمانیم اخیراً ملاحظه می کنید که دولت ما میخواهند تمام خسارات ما را به پنج شش میلیون لیره انگلیسی تصفیه نمایند و حتی بمناوبن مختلف مطالب را بمجلس کشانید و تصویب شما راهم برای این کار درخشان میخواهند بهتر است توضیح بیشتری فعلاً در این مطلب ندم اما از تأسیس کارخانجات ریسندگی که در آن موقع اشخاص فصال و بقول دوست عزیز من آقای دکتر تقی نصر اشخاصی که دارای حس تمدنی بودند آن

اشخاص با آن رویه حس تصدی و حس ملت خواهی و دولت خواهی و منظور داشتن رفاه مملکت و آسایش ملت و پیشرفت ترقی و تمدن ایران و صنایع مملکت و هم شان کردن ایرانی با خارج باین عنوان به آقای آقا به همین عنوان بروید آن جریسد را بخوانید از رویه مردم و حسن نیت اهلیحضرت فقید استفاده نمودند در این موضوع آقای اهراز نیک بی من چه بگویم آیا بهتر نیست که وضع چند نفر از این متصدیان خصوصی را در آن تاریخ یعنی در حدود ۱۵ سال پیش با وضع امروز آنها مقایسه کنیم؟ خانواده کازرونی باقری که پدرشان از دولت کرد و یکصد هزار تومان از وجوه ملت در اختیار آن مرحوم گذاشته شد و کارخانه وطن را تأسیس نمود از یک تاجر کم سرمایه و با اصطلاح شما با ابتکار و با اصطلاح آقای دکتر نصر با حس تصدی خصوصی امروز ارشی میلیون است یعنی چندین مرتبه میلیون است بدلاز میلیون است به لیره میلیون است بتومان میلیون است بیرون ارشی میلیون است بیرون نیت ملی برای معرفی سابقه کسانی که تصدی خصوصی دارند و برای افراد این ملت از این جریان چه فصولی حاصل شده خدا میداند بدون غرض این اشخاص را معرفی می نمایم و تازه اینهارا بطور مثال اسم میردوم آقای کسائی ۱۵ سال قبل بزاد دوره گردی بود امروز از برکت کارخانه رسیباف و غیره آنچه آن ثروتی دارد که سر او در یک جلسه قمار سیصد هزار تومان میبازد و برایش اهمیتی هم ندارد زیرا بقول آقایان اصفهانی هابایک معامله چرب فرمای آروز مجدداً این مبلغ را از جیب ملت ایران پس میگردد و شاید دستخوشی هم برای جسارت خود در قمار شب اضافه نماید سوم آقای همدانیان که ۱۵ سال قبل آم در بساط نداشت از برکت صنایع پشم امروز ارشی میلیون است چهارم آقای احمد روفتی از برکت کارخانه پشم باقی در همین فاصله زمان از هیچ شروع کرده و امروز دارای ثول سرشار گردیده است پنجم آقای عطاء الملك مفالوک و بریشان از شیراز به اصفهان رفت امروز خود و پسرانش هر یک جداگانه ارشی میلیون شده اند ششم آقای رحیمزاده که یک تاجر و رشکسته بود تنها از معاملات نفع امروز چندین مرتبه میلیون شده است منتها شاید از آنهای دیگر ضعیفتر است آقایان من این اشخاص را بعنوان مثال از اصفهان انتخاب نمودم (اهراز نیک بی - آقای مهندس رضوی چرا فقط از اصفهان انتخاب کردید؟) برای اینکه اصفهان منچستر ایران است برای اینکه شما اصفهانیان بتمام ایرانیان گفتید ما ایران را آباد کردیم صنایع آوردیم سرمایه هایمان را بکار انداختیم تا مملکت ایران با یک پادشاه بزرگ مملکت نجات بدیم (اهراز نیک بی - آنها کار خودشان را که کردند) آنها کار خودشان را کردند یعنی مملکت را فارت نمودند آقای اهراز نیک بی نگذاردید وضعیت شخص شما را هم در این جا تشریح کنم (اهراز نیک بی - خواهش میکنم) من وارد زندگانی خصوصی افراد نمی شوم من اگر تلگراف هائیرا که این دو روزه از اصفهان داشتم بشمارا نه می دادم گمان میکنم که شما استعفا میدادید (یک نفر از نمایندگان - آقا استعفا میدادند) آقایان من این اشخاص را بعنوان مثال از اصفهان ذکر کردم چرا؟ برای اینکه مکرر میگفتند که اصفهان منچستر ایران است

اما ابتکار منحصر باصفهان نیست در تهران و سایر شهرهای ایران لافلاقل در شهرستانهای بزرگ مردمانی هستند که استفاده های گزاف برده اند ملت ایران بغیر نیست ما خوشوقت هستیم که مملکت ما سرمایه داران بزرگ بزرگ پرورش داده است ما اصلا سر فراز هستیم برای اینکه اگر فقط آمار سرمایه داران ما را در خارج منتشر کنند اعتبار کشور ما خیلی زیادتر از آن خواهد بود که امروز اعتبار میدهند و اگر صدها میلیون دلار که ایرانی ها در اروپا و امریکا بردند و صورت آن را من بدست آورده ام یعنی صورت تضمینش را البته ذکر این موضوع برای آن نیست که بغیر هستیم ولی میگویم که این ثروت را هم از ایران خارج میکنند آنقدر ثروتند که در امریکاست مگر ما بغیر هستیم ما خیلی خوشوقتیم که ایرانی ها هم ثروتند شده اند اما آقایان محترم در همین مدت ملاحظه فرمودید که چه فشاری ملت فقیر وارد کردند چگونه مردم از هستی ساقط شدند و چگونه شما رومق و جان مردم را گرفتید؟ (صحیح است) و چگونه مردم را چپاول کردید چرا بی انصافی میکنید چرا من که بنام ملت ایران و بنام شما صحبت می کنم میخواهم بدخترت بکنید تضمین کنید؟ (صحیح است) مثالی که راجع به کلبه دهقان ایرانی میزنند کاملا صحیح است من نمیدانم این آقایانی که استناد میروشوند میروند بکلبه دهقان؟ گمان نمی کنم اینها که اصلا برای دهقان استناد نشده اند آن کلبه دهقان بیچاره سی سال پیش مختصر وسیله زندگی داشت ولی امروز تمام هستی او منحصر به یک کاسه حلبی است (صحیح است) کاسه حلبی آقا شاز دعات ایران نمیدانم بود کرده اید شما وقتی که با تو میبیل های خودتان از یک دهه دور میکنید اطفال لغت و گرسنه و مریض را بایای برهنه می بینید چه فکری می کنید شما وظیفه دار هستید که کمک کنید و این دستگاه را بصورتی که حقیقه مشروطه و ملی باشد بچرخانید ، آقایان محترم تأسیس کارخانه در قلب مملکت بجای آنکه موجب آسایش مردم باشد و متصدیان مربوطه نیز عادلانه منتفع شوند موجب فلاکت مردم گردید زیرا این دستگاهها باصل دولت با بزرگترین مقامات دولت دست بهم داده گاهی بنام تقویت صنایع داخلی گاهی برای رفع احتیاجات قشون شاهنشاهی و بهر گونه عنوان دیگر صاف و پوست کنده ملت را چاپیدند و پولش را نوش جان کردند (یکی از نمایندگان - زهرمار کردند) آقایان کسی نباید بگوید اینها فعال بوده اند ابتکار داشته اند مرد عمل بودند من حالا بشما میگویم که اینها چه بوده اند اینها رفیق فرد و شریک قافله بودند (صحیح است) خلاصه تنها تأسیس یک صنعت یا یک معدن کافی نیست ناید هر تأسیسی که در مملکت می شود بنفع ملت ایران صورت گیرد نه برای استفاده و انحصار جوئی مردمانی که خود را قائل و با ابتکار معرفی می کنند و قابل امداد اصلاحات میزنند عرض کنم که در شروع کار برنامه ها تا کنون دو هفت از امریکادعوت کردید شما جناب آقای ساعد باور کنید که من شخص شما را خیلی کم مشون میدانم البته مشول هستید ولم کم مشول هستید ، آنچه میگویم منظورم عبارتست از تمام دولت ها تمام آن عده ای که در این دستگاه بندو بست وارد هستند (صفوی - نمایندگان را هم بفرمائید) من عرض می کنم همه

ما اولش بنده ، دو هیئت از آمریکا دعوت کرده اند هیئت اول که یک صد هزار دلار از جیب همین ملت فقیر بآنها تحویل شد یک دسته آمریکائی بود که فقط دو سه نفر مهندس همراه داشته قسمت عده آن هیئت از اعضای با صلاحیت موریس نودسن هم نبوده اند فقط برای مسافرت تفریحی شرکت موریس نودسن آنها را استخدام کرد و اهزام داشته حش هم همین است شرکت موریس نودسن مگر باید دلوس ما باشد؟ مگر تابع قانون اساسی ما است؟ مگر او در خاک ما بایا آمده؟ و در خاک ما بایا دنیا را بدردو بگوید؟ و با اینکه اساساً مسئولیتی در مقابل ملت ایران دارد؟ او باید همینطور رفتار کند این آقایان در مدت خیلی کوتاه قسمت اعظم این مملکت را بیروند و البته این مخارج اضافی که در این جاشد هیچ مربوط بآن صد هزار دلار که بود اما کار آنها چه بود؟ چند ساعت در کرمان توقف فرمودند و مطالعه از استان کرمان بعمل آمد البته میگویند که راه کرمان را می بینیم ولی خواهش می کنند آقایانی که مهندسی خوانده اند آقایانی که اهل عمل هستند حتی برای پروفیل یک راه اگر آدم سواد دارد که یک نقشه کافی اگر حقیقه می خواهد آن نقشه را اصلاح کند که این وقت می خواهد ، مطالعه میوهاند ، اسباب میوهاند بطوریکه بنده تحقیقا شنیده ام حتی معادنی را از دور زیارت نمودم و بعد اطلاعاتی از تماس با ما موریس کم اطلاع خود ما و یا از خارجی های مقیم ایران که بقایای میسیون دوم دکتر میلیسیو هستند بدست آوردند (دکتر اعتبار - گزارششان عین گزارش برنامه است آقا) حتی در مراجع برمدان ایران هم آن عده که با در هیئت برنامه بودند یا از خارج اطلاعات صحیح داشتند هیچوقت مورد لطف آقایان نبوده گزارش هفتصد صفحه تنظیم کردند و شاهم آن گزارش را خیال میکنم دیده اید و الان در کتابخانه مجلس هم موجود است توجه بآن گزارش طرز فکر این آقایان را روشن می کند همین صنایع نساچی بکلی در آنجا فراموش شده است اما بعداً آقای دکتر مشرف نفیسی سروصورتی بوضع داخلی آن هیئت دادند و منجر به پیشنهاد لایحه ای بمجلس شد اخیراً یک دسته ۶ نفری امریکائی که اهضاهر کت مشاوره ماوراء بحار ، اورسبز کانسالتت ، حالا انگلیس را من آنقدرها قوی نیستم مشاوره ماوراء بحار که این اشخاص اعضاء این شرکت هستند این شرکت خودش از ۱۱ شرکت فرعی قبلا بوده اند که درم ذوب شده اند با اصطلاح شرکتی این را آقایان می دانند که میگویند فوژبون تبدیل بساین شرکت شده اند اینها ۶ نفرشان الان در ایران هستند چهل هزار دلار مخارج سفرشان را قبلا گرفته اند یک سفر بشمال رفته بودند دیروز و بریزرو باصفهان رفته اند بجنوب هم خیال میکنم تشریف ببرند اطلاعات دو ، سه نفر از اینها بنظر بیش از اطلاعات اشخاص قبل میرسد ولی اینها خودشان میگویند می خواهند بوضع زندگی و آب و هوای ایران رسیدگی کنند این آقایان میروند بامریکا و آنچه شنیده ام قرار است که جمع کننری بفرستند جمع کننری اشخاص را برای مطالعه آب و هوا و طرز زندگی ایران بفرستند که صنایع و

مدان و کشاورزی ما را ترقی بدهند آقایان آنچه من احساس می کنم دولتها کوشیده اند که باین برنامه هم جنبه تظاهر و تشریفات بدهند (اسلامی - معلوم نیست آقا کاری نکرده برنامه ۷ ساله نجات مبدعه مملکت را) شما که سیاستدار عالی رتبه هستید و مصالح عالی را بهتر از امثال بنده می دانید قدری باوضع واحوال دنیا توجه بفرمائید و برنامه را از صورت کاملا امریکائی خارج بسازید ما برای اجرای برنامه محتاج بمستشار خارجی نیستیم (صحیح است) ما یک عده اشخاص متخصص و متبحر احتیاج داریم که از حیث صلاحیت رسابقه تجربه باید در مملکت خودشان درجه اول باشند و باید همین عنوان متخصص دعوت بشوند و برای کار معین هم بیایند باید فرد صلاحیتدار را دعوت کرد نه اینکه مملکت ایران کور کورانه از یک کشور بیگانه مستشار و آقا بالا سر دعوت کنند (صحیح است) مگر شما عبرت از عملیات میسیون دوم دکتر میلیسیو نگرفتید؟ آقایان باین طرز فکر و این طرز عمل این سازمان هم جزئی از بقیه دستگاه دولتی است و هیچ نتیجه ای از آن حاصل ملت ایران نمیشود چرا؟ میلیونها قرض بردوش ملت ایران اضافه می شود من بعنوان یک نفر شخص مهندس قضاوت می کنم باید اقدامات قبل و نتایج قبل را مآخذ عمل قرارداد و برای آینده ملت نتیجه بگیریم (صحیح است) باهو و جنجال و میهمانی و راه یافتن در شب نشینی ها که من نمیتوانم تغییر عقیده ملی بدهم (صحیح است) میگویند امریکائیها همین فساد دولتی ما را بهانه قرار میدهند و می گویند مستقیماً باید نظارت کنیم ، من برای آنکه امریکائیها نگویند نمی گویم چون اساساً بآنها اجازه نمیدهم که این حرف را بزنند بهیچ بیگانه ای اجازه نمی دهم که در کار داخلی مملکت ما دخالت کنند (صحیح است) آقایان عرض کردم این حرف را بنام یکفرد ایرانی اعلام می کنم من از حق و کالت ملت ایران استفاده می کنم و اینجا بشما و آبائنهائی که بجای شما خواهند آمد میگویم که تا در دستگاه دولت اصلاح شدید و اکید شروع نشود دست دزدان و مفتخواران کوتاه نگردد نباید برای هوی و هوس جمعی مملکت ما را مفروض و بیچاره تر نمایند (صحیح است) (دکتر اعتبار - بسیار صحیح است) برای من فرق نیست که شما این قرصه را از امریکایا انگلستان یا شوروی بگیرید حتی اگر از یک دولت متول بیطرف مثل هلند و سوئیس هم قرصه بگیرید من مخالفم اما اگر شما دستگاههای خودتانرا اصلاح کردید و اگر آنچه من این چند روز وقت ملت ایرانرا تلف کرده ام اصلاح دادم و نمایندگان محترم هم توجه فرمودند قبول کردید و اصلاح کردید آنوقت البته اگر کج بودی داشته باشید قابل مطالعه است (صحیح است) اما آقای دکتر مشرف نفیسی که اشاره کردم مردم برو مطالعه است چنان سابقه بدی در ایران راجع بتزلزل قیمت ریال از خود باقی گذاشته (صحیح است) که با وجود آن سابقه متأسفم عرض کنم که اطمینان بر کارهای خیلی فرق دارد تا اینکه ما ایرانیها را گرسنه و دست بسته بپریم تحویل اجانب بدیم چرا؟ برای اینکه من دکتر نفیسی هستم من اقتصاد خوانده ام (بهادری - حالا هم رئیس برنامه است) من مشرف الدوله نفیسی را مرد مدبر و مطلع و بصیری میدانم من منزل او رفته ام میهمانی او را قبول کرده ام اکنون هم شاید

ایرانی بایر پرداخت دستزد ایرانی میخواستند نه کالای خودشانرا با ریال میخریدند نه کارمندان خودشانرا با ریال مزد میدادند در یک چنین وقتی که میبایستی طلای خارجی از روسیه و امریکا و انگلستان بازار های ایران را بر بکنند (صحیح است) در چنین وقتی دولت ما قیمت لیره را از ۶۸ ریال به ۱۲۸ ریال ترقی و تثبیت داد (صحیح است) یعنی چه؟ یعنی یکمرتبه و بایک امضاء قیمت کالای ایرانی و بسازوان مردمان ایرانرا نصف کرد (صحیح است) (اردلان - همین کار را آقای هزر دوم مرتبه کرد) من عرض کردم ناصرالدین شاه پادشاهی مستبد بود ولی اختیارشمارا نداشت چرا؟ برای اینکه ناصرالدین شاه نمیتوانست بکارگر ایرانی دستور بدهد توکم بگیرد گرسنگی بخورد اگر یک جانی یک صاحب کساری پیدا میشد میگفت برو کارگر را راضی کن اگر وزارت دارائی نداشت وزارت اقتصاد نداشت وزارت جنگ مجهز نداشت لافلاقل این اقتدار اقتصادی و قانونی و این روش بوروکراسی عجیب و تر کر هیچقدرت در تهران را هم نداشت چه میتوانست بکند مگر در کرمان دوره گذشته آقای امین زاده نمیدیم این جنوب مملکت آن شمال مملکت گیلان در جنگ گذشته این همه خسارت دیدیم شما حساب میکنید با انهمه خسارتها و مهاجرت ها و جنگهایی که در داخل واقع شد آخر آقایان شما نخواستید رالزوری عدد و سابقه بکنید آقایان اقتصاد مملکت و نان و جان مملکت ایران را دودستی تسلیم این میهمانان نمودند بروس دادند ، بانگلیس دادند ، بامریکا دادند من نمیدانم میگویند هر سه از ما خواستند از شما خواستند چرا دادید؟ (صحیح است) میخواستید بکنارید خود آنها بگیرند (صحیح است) شما چرا امضاء کردید؟ (صحیح است) آقایانی که کبیسر نفت بودی یا هستی میگویی آنها این صورت را دادند تو چرا قبول کردی؟ ای ایرانی وطن ناشناس من چه بگویم بیشتر از این من که تمام حیات سیاسی خود را اینجا روی این تریبون باز میکنم و بملت ایران آنچه شاهم میدانم میگویم چرا خودم را در یک تنگنای اخلاقی قرار بدهم و آنچه واقفاً به نفع ملت ایران است و باید بدانم برده بوشی بکنم؟ منتظر بودند که روسها وانگلیسها و امریکائیها بیایند آقای وزیر مالیه را ببینند و بگویند که ما خواهش میکنیم طلا بگیرد و بیا کاهو جو بدید طلا بگیرد بما راه آهن بدید طلا بگیرد حالا یک سفینه دیگر هم منتظر بودند اینطور بشود حالا یک سفینه دیگر هم میکنند چون این مطلب خیلی مهم است فردا رویش خیلی حرف میزنند میگویند آقا آمدند مملکت را گرفتند مگر شما بی اطلاعید مگر بی سابقه اید آخر آمده بودند بعد زور میگفتند خوب تو چرا امضاء کردی؟ بگذار خودشان هر کار میخواهند بکنند چرا شما دادید؟ چرا شما امضاء کردید؟ بگذارید خودشان هر کار میخواهند بکنند بروند ایرانیها را ببرند تیرباران بکنند آن خیلی فرق دارد تا اینکه ما ایرانیها را گرسنه و دست بسته بپریم تحویل اجانب بدیم چرا؟ برای اینکه من دکتر نفیسی هستم من اقتصاد خوانده ام (بهادری - حالا هم رئیس برنامه است) من مشرف الدوله نفیسی را مرد مدبر و مطلع و بصیری میدانم من منزل او رفته ام میهمانی او را قبول کرده ام اکنون هم شاید

خود او در پیش وجدان خود قضاوت کند که من بهیچوجه جنبه شخصی بفرهای خودم و بسطال باوروز خودم ندادم من این اقدام آقای دکتر نفیسی و دولت ایشانرا در آنوقت غیر از وارد نمودن ضرر عدهی و هتک ملت ایران نمیدانم و نامی غیر از خیانت بوطن به آن نمیتوانم بدهم (صحیح است) هر توضیحی که در این زمینه شنیده ام و خوانده ام غیر از سفسطه چیز دیگری بنظرم نرسیده است بعضی اشخاص دیگر منجمله دکتر محمدنعمی ایشان هم دکتر حقوق هستند در اقتصاد ، آنروز رئیس کبیسون ارز بودند ایشان برای اثبات شاهکار وزیر دارائی یک مقاله ای نوشتند آقایان آن مقاله را شما مآخذ قضاوت خودتان قرار بدید اگر از همان مقاله شما سوه نیت دولت ویی اطلاعی و بیسوادی مطلق نویسنده را در اقتصاد مملکت قضاوت نکردید در یک آنوقت بدین هر چه میخواهید بگویند آنوقت بمن ایراد بگیرد یک چیز ممکن است ، ممکن است دکتر مشرف الدوله و دکتر محمدنعمی ، تمام دکتر های حقوق و اقتصاد ما را کودک بدانند و بیجه بدانند مارشد نداریم بله این را بنده میدانم من آخر آقا ایرانی که حساب سرش نمیشود ، خوب و بد سرش نمیشود خوب خواستید بگویند مهمانند خانه ما آمده اند چیزی نمی گویند یک ریالی سکه از ما میگیرند یک خورده کمتر بگیرند حالا آقایان این مرحله را که من میگویم هیچ مربوط بآن نکنید تازه همین دلارها و لیره هائی که باین ارزانی بازوی ایرانی و کالای ایرانی را دادیم و گرفتیم آنها را هم چه کردیم این برای خودش یک مرحله دیگری است شاهمان مرحله اولی را توجه کنید آقای ساعد شما دولت شما اگر خواستید این موضوع را اینجا مطرح کنید شما باید خطاب بملت ایران بکنید شما نباید اینجا بگویند مصالح مملکت نمی گذارد نه آقا بملت ایران بگویند شورویها - امریکائیها و انگلیسها آمدند در ایران و گفتند که شما خرج جنگ ما را در ایران بدید بله آقا این یل بیروزی بود خرجش را کی داد؟ شما میدانید این از نظر علم اقتصاد یعنی چه خرجش را کی داد؟ خرجش را ما دادیم من ترقم روی رقم برای اینکه خسته شده اید اگر حساب کنید مبلغ هتکت میشود تازه دیدید که قیمتها چگونه بالا رفت و این نسبت دو برابر رسید به ۲۰ برابر و صد برابر و در بعضی موارد ارقامی از قیمتها شنیده ام و دیده ام در مجلات که حقیقه سرسام آور است یعنی چه شما آقای دکتر نفیسی مگر خانواده ای ندارید؟ مگر شما از کرمان نیامده بودید؟ مگر بیدر شما ناظم الاطعام در معروف و شریفی نبود شما بایستی منافع ایرانرا نگاه میداشتید نه منافع انگلیس و امریکا و روسیه را ، آقایان ملت ایران گول نبخورد پیش ملت ایران که این عملیات فراموش شدنی نیست من این عمل ایشانرا و این شخص را مسئول زدم برای اینکه خیلی ظاهر و بارز بود ولی اگر روزی حوصله داشتید مصالحت اشخاص دیگر را در اینجا معاکمه خواهم کردم من همین جا تمام میکنم و مطالب بسیاری که مردمان باشراف مملکت راجع به بعضی از عملیات دیگر دستگاهها مثل عملیات شرم آور اداره املاک و اقداری (صحیح است) بله آقا شرم آور من چه بگویم؟ شاهنشاهی در نتیجه حوادث بین الملل رفت پادشاه جوان در نتیجه حسن نیت و اقتضای موقع و محیط ارضی او را بملت ایران

داد و شا حکومتای ایران آن ارضیه را تقسیم کردید و باشخاص سیریدید آن هم چه اشخاصی؟ (دکتر معظمی - چند نفر هوسی) آنهم چه قضایائی؟ چه بندو بستهای بله آقا همین ما بیج بیج دارد همین ما سرگوشی دارد (صحیح است) البته تقسیم املاک بین صاحب ملک که بیج بیج ندارد (صحیح است) آن کسی که ملکش را بزور گرفته بودند و حدودش معلوم بود و خرجش را آنقدر داده بودند قیمتش را بیابگیر هیش را بیابگیر اینعرف کمغضی نبود تأسیسات اگر آنجا هست دیگر باوجه مربوط است و غالباً این تأسیسات را هم بشکل خرابی دریاوردند.

آقایان ممکن است شما خیال میکردید که در ایران حکومت ما واقعا این دستگاہ فکر ایران است بفکر ملت است شاید خیال میکردید علی آباد دهی است خیر آقا علی آباد امروز شهری است و آن شهر شاهی است و از این قبیل زیاد است من اسم نمیبرم من کسی که معاون وزارت دادگستری بود و از نفوذ خودش استفاده کرد و ملک برد من و کیلی که آنجا نشسته بود و حالا نیست چون نیست نمیگویم که از قراریکه شاید ام یک چهارم ولی بنظرم اغراق میاید یک چهارم خاک مغرب ایران را تقاضا میکنند (یکی از نمایندگان - کی آقا) در قرب آقای قبادیان من نمیگویم که چگونه اینها تپانی کرده اند و چگونه این املاک را باختیار ایشان گذاشته اند تمام ارقام و اعداد این همیشه بهایون من ضبط خواهد بود و هر وقت خواستید اینجا جوی شما باز میکنم و حدود و تفرق را میگویم من میدانم من از اسرار خبر ندارم اینها همه افشاء شده اینک معکرم را دوتا میکنند بمدیکی میکنند بعد از ولایات میاورند بهران بعد عضو دفتری را برای قضاوت مامور میکنند و غیره و غیره

اینها اگر مصالح عالیه مملکت هم هست متأسفانه ما میفهمیم یک مسائلی هست که مانعی فهمیم آن مصالح دیگر خیلی عالیه است آن را دیگر ما واردش نیستیم گفتم بعضی عملیات دیگر دستگاهها مثل عملیات شرم آور اداره املاک را گذاری عملیات عجیب ادارات مالیاتی عملیات عجیب قاچاق و امر کی عملیات عجیب سررشته دارهای ارتش و عملیات شرم آور دادوسی ارتش که تأمین را از مردم و از افسران شریف سلب نموده است و غیره و غیره همه را مسکوت میکنند آقایان من مایل بودم راجع بوضع کارگران و اوضاع مطبوعات و نیز و خاتم اوضاع فرهنگی بله آقای دکتر سجادی و خاتم اوضاع فرهنگی مطالبی عرض کنم ولی فعلا صرف نظر میکنم اکنون اجازه بفرمائید نتیجه و خلاصه کلام و مطالب خود را بر عرض نمایندگان و بر عرض ملت ایران برسانم من با اینکه نسبت سیاست داخلی مطالبی بر عرض رساندم اکنون میگویم که تمام درد های اقتصادی و فساد دستگاه های ما در نتیجه عملیات همین و مشخصی است که جبران آنها از هر روزی که شروع بعمل شود و حقیقه حسن نیت در بین باشد سهولت امکان پذیر است من اعلام میکنم که تمام آنچه را که در اینجا ذکر کرده ام و آنچه را که نگفته ام بدون علاج فوری و قطعی و آسان نمیدانم محتاج بهیچ تخصصی نیست محتاج به مستشار خارجی نیست هیچ مضلات امور مملکتی نیست که اعلامیه بدهید هیچ

مشکلاتی نیست که روی آن بحث میکنند هیچ اقتضا نمیکند که کمیسیون های بزرگ دعوت کنند خیر آقایان معترم شما یک کار بکنید اگر جبهه عملیات خود را بجای اینکه بنفع عده معدودی باشد متوجه رفاه و حیثیت ملت ایران بنمائید زودتر از یک ماه هر دولتی میتواند پنجادصد تنه صندلیه آنرا ظاهر نموده و پس از ۳ ماه صدصد در صد این دستگاه و حش را که بنام حکومت داریم این دستگاہ را پس از سه ماه از بی تا بی میتوان تبدیل بحکومت ملی حقیقی و پایدار نمود و مردم گفت که مشروطه یعنی چه آن وقت میتواند بشاهنشاهی که با حسن نیت نشسته و نظارت میفرمائید بگویند که ما با فرمان شرافتیم و برای مملکت و ملت کار کردیم و اینهم نتیجه اش نه روی گفتند آقای گلشایان نتیجه اش را من باید در کلک دهقان کرمانی در منزل معلم تیریزی در کفشهای اطفال مردم در حفظ حدود و تقور املاک مردم آن مردمی که حقیقه ملکشان را شاید زحمت کشیده اند و تأسیس کرده اند بدانم ما اصلا حکومت مشروطه نداشته ایم زیرا حکومت مشروطه حکومتی است که شرط آن عدالت و رفاه مردم باشد این یک حکومت مشروطه نیست این یک کمدی است و بی متأسفانه یک کمدی گریه آوری است آقایان در هیچ جای دنیا نمیتوان هم شریک زد در هم دلسوز فافله بودا در تمام دنیا دولت همیا و همراه ملت است شما هیچ وقت خود را در مقابل ملت قرار ندهید و در این تریبون معاجه و مباحثه بامت نکنید شما این دردها را بگویند تا بید کنید و بگویند اینهم راه علاج که من الان میروم و عمل میکنم شما وظیفه بزرگی دارید آقای ساعد هم شما هم کسانی که بعد از شما اینجا میآیند زیرا متأسفم بعید میدانم که بگذارند شاهم مدتی کار بکنند اما منافع مملکت مادر مقابل بیگانگان اهم از شوری و انگلستان و آمریکا بصورتی است که ملاحظه فرمودید و دیدید که چگونه ماز ملت ایران را از زمامی دریای خزر تا نفتی که در شکم زمین است میرند و حق ما را با نوازده یک کودک بحساب میآورند شما بازرگانان معترم این مجلس هیچ ممکن است نسبت یک شریک ضعیف و صغیری اینطور رفتار کنید؟ اساساً این طرح مسئله شیلات و نفت خواستم شما آقایان نمایندگان معترم مجلس نشان بدیم که وقتی در داخله مملکت دستگاه دولت بچنین عملیاتی مشغول است هر ضه و توانائی و لیاقت حفظ منافع مملکت را در مقابل بیگانگان ندارد و در موضوع شیلات چنانکه گفتم و مجدداً تأیید میکنم که تمام محصولات ما را برای بکار بردند و باید دولت با توجه بقبیه های اقسام ماهی در دنیا دقیقاً بحسب آن شرکت رسیدگی نماید مال ملت را از آنها بگیرد و عملیات شیلات را در ایران که فعلا صورت یک شرکت کاملاً خارجی دارد در دست بگیرد و همینطور بروید طلا و ارز ما را از مسکو بگیرد راجع بشرکت نفت مجدداً اعلام میکنم هر ساعت که تأخیر در این امر بکنید شریک این جنایت خواهید بود و بهیچ دلیل نمی توان اجازه داد مال یک مملکتی را این طور بچپاول بپزند و در روی همان سرزمین ملت را گرسنه فقیر و بی اطلاع بگذارند آقای هژیر در اعلامیه خود ۳ ماه برای جواب شرکت وقت تعیین کرده بودید مگر شما نپنداشتید که بین طهران و لندن تلفن بیسیم و با سیم دائماً کار میکنند وقت نداشتند لاف از وزیر پست و تلگرافتان این را ببرید شما با شاه

مملکت خودتان میتواند صحبت کنید ولی مامورین نفت نمیتوانستند با لندن صحبت کنند؟ چه مشورتی چه موضوعی؟ با شرکت چه بگویند ۳ ماه چه مطالعه ای بکنند؟ مطالعه بکنند که اوضاع مملکت از این گسیخته تر باشد؟ مال ما را میبرند و میخورند و چپاول میکنند آیا نباید بگویند حق ما را باید بدهند؟ آقایان اگر نپندهند بروید همین امروز اگر میتوانید همین امروز یعنی روز هفتم آذر ۱۳۲۷ همین امروز بروید اطلاع بدهید که آن سندی که بعنوان قرار داد در دست آنها است برای ما تحمل آن مقدر نیست و آن سند را بعنوان یک سند ملی و معامله عادلانه تلقی نمیکنیم بروید خسارات گذشته ما را با حساب و عدد بگیرد و برسد این کار را تنها از اینطرف بلکه بروید باتمام دولتها بیکه با ما حساب داشته اند بحسابات ایران رسیدگی کنید شما باشو روها حساب زیاد داشتید و غالب آنها تصفیه نشده است با آلمانها هم حساب داشتید غالب آنها تصفیه نشده است شما با امریکائی ها هم الان حسابهای دارید چون مردم ایران مار کرده هستند و همیشه از چاله بچاله افتاده اند باید مطالب مهمی را بنده اینجا بگویم اولاً صد هزار میل مربع در دست شرکت نفت است در هیچ جای دنیا چنین مساحتی که تقریباً معادل تمام مساحت جزیره بریتانیا است بدست یک شرکت نیست بسیارند آنهم چه شرکتی؟ شرکتی که ۶۵ درصد آن در دست دولت انگلستان است حتی بیک شرکت ایرانی هم نمیتوان داد چرا، بططور میشود آن این است که بگویند ایران تجزیه شده است شما آقای ساعد اگر میخواستید ایران تجزیه شود لابد نفت شمال را هم بشوری ها میدادید پس معلوم میشود که نمیخواستید مملکت خودتان را تجزیه کنید پس چرا نفت جنوب را از انگلیسها نمیگیرید آقا آنرا ندهید و این را هم بگیرید عرض میکنم فراموش نکنید که اسارت اقتصادی همراه خود اسارت سیاسی را در بر دارد من گفتم که اگر روسها با ما معامله حسابی کرده بودند ممکن بود پیشنهاد آنها را بهتر مطالعه بکنیم ولی شرکت شیلات نمونه معاملات اقتصادی آنها بود، معامله سیاسی آنها را هم در آذربایجان دیدیم چه لازم است بگویند و غرض کنند که مرتجعین و کسانی که بادیگران بند و بست دارند این معاهده را با ما نبستند؟ نه آقا من هم که با هیچکس بند و بست ندارم وقتی میبینم دولت روسیه قشوش را در آذربایجان نگاه میدارد و از پیشه وری تقویت میکند و ایران را میخواهد تجزیه کند همین یک دلیل با او معامله نمیکنیم (صحیح است، احسن است) وقتی هم بواسطت آن قرارداد تجارتش را هم که ۵۰ درصد با حق داده و اصلاً با ما هیچ نپندند می بینیم دیگر چگونه میتوانیم با او معامله بکنیم؟ اما این را من میگویم فردا انگلیسها فوراً نروند بگویند خوب شوری که در شیلات شما چیزی نپندند، این حرفها را بگذارید با صدای بلند بگویم در دنیای امروز نیشود گفت که مثلا آقای دکتر اقبال من شما را میزنم برای اینکه آقای دکتر سجادی هم شما را زد، اگر آقای دکتر سجادی ایشان را زد وظیفه دکتر اقبال این است که او را تعقیب کند و تازه اگر هم نکرد یا موفق نشد

برای من تولید حق نمیکند این استدلال صحیح نیست که از جنبه منفی آن استفاده کنند ممکن است ما نتوانیم حقوقمان را از روسها بگیریم ولی این دلیل نیست که انگلیسها هم با ما نپندند (صحیح است) دلیل نیست که بنشینیم در اطاق بیج و بیج کنیم من احتمال میدهم که این بیج و بیجها از این قرار باشد عرض کردم صد هزار میل مربع در اختیار این شرکت است آقایان معترم صحبت از صد هزار میل در مذاکرات آینده خود نکنید بروید این منطقه را تا آنجا که ممکن است چندین مرتبه محدود کنید یک دم این مساحت هم قابل قبول نیست (معمد علی معدودی - الان از این صد هزار میل مربع که استخراج نمیکنند) آقایان اسارت اقتصادی یعنی اسارت سیاسی اگر اقتصاد ایران را بشوری بدهید تابع شوری هستید اگر با امریکا بدهید تابع امریکا (اردلان - هیچکس نمیدانم) شما شاید آنهم فقط در اینجا که نشسته اید اگر نتوانستید ندهید، اما راجع بدست همان قرار داد داری ر ما حد اکثر مدت میتوانیم (صحیح است) راجع شرایط مالی من چه عرض کنم من شما گفتم که در سایر کشور های جهان پنجادصد صداد کلبه هواید شرکتها هاید دولت امتیاز دهنده میشود، اینها را نگفتم؟ اینها را با ارقام بشما نشان ندادم؟ من شما نگفتم چه مزایای فنی نفت ایران نسبت بنفت سایر ممالک دارد؟ بنابر این پنجادصد در صدر سایر ممالک مأخذ شده است باید خیلی بیشتر در مملکت ما مأخذ بشود آقایان فراموش نکنید انگلستان از نفت ایران استفاده نمیکند بلکه پایه های امپراطوری انگلستان بر دوش ملت ایران گذاشته شده هیچ تروتی آقای ساعد بلی هیچ تروتی بالاتر از این تروت مادر اختیار امپراطوری انگلستان نیست، شما خیال میکنید امپراطوری انگلستان بپنجاهی از این تروت استفاده میکنند اشتباه میکنید، انگلستان بعد از جنگ ضعیف تر از آن بود که بتواند پنجاهی این گنج بصرای را چپاول نماید الان طبق اطلاع صحیح تقریباً نصف کل استخراج نفت جنوب تعویل امریکا میشود آقایان دعوی سر لعاف ملا نصرالدین است این تروت سر زمین ما است که بدون اطلاع ما و در مقابل چشم دولتهای نالایق و وزیران نالایق و خائن بین دولتهای دنیا تقسیم میشود (صحیح است) فردا اگر انگلیسها یا شورویها دوست شدند با آنها هم خواهند داد، شما اطمینان باین اختلافات نکنید شما بعنوان یک مرد ملی قضاوت کنید ممکن است بگوروز با هم اختلاف نداشته باشند، بگوروز با هم سازگار شوند مگر همین انگلستان با دولت روسیه قرارداد تجزیه ارض ایران را امضا نکرد؟ آقایان بیدار بشوید از این خواب خطرناک خارج گردید حق ملت ایران را باید دولت ایران بدست بیاورد، منتظر نباشید که دولت روسیه یا دولت امریکا با دولت انگلستان حق شمارا بشما بدهند یا از دیگری گرفته تعویل شما بدهند اکنون همکاران معترم، نمایندگان ملت ایران، با عرض تشکر فراوان از توجهی که برایش و مطالب این جانب فرموده اید بدانید که هیچ کاری ندارند و در خارج بکار خود مشغولند و نمی توانند از نسبت ها و تهمت هایی که بایشان زده میشود دفاع

آن کار را بخواهد و درخواستن خود باید ابرماند (نمایندگان - صحیح است) بیائیم و علناً و علناً بکنیم که برخلاف آنچه در خارج میگویند ما مدافع حقوق معدودی نبوده و نیستیم و ما خواهان ترقی مملکت و رفاه ملت ایران هستیم فعلا هرایش بنده تمام شد اکنون حالا قضاوت باشما و املت ایران است

عموم نمایندگان - احسن است، احسن است
رئیس - آقایان با تقابلیج
نمایندگان - اکثریت نیست
رئیس - قدری تأمل بفرمائید (در این موقع اکثریت حاصل شد) بفرمائید
رئیس - آقایان ملاحظه میفرمائید که من از مقاماتی دفاع میکنم تصور نکنند که من احتیاجی بآن مقامات دارم که دفاع میکنم (خنده نمایندگان) (زنک رئیس) در موقع قرائت قسم نامه در پشت این تریبون بنده کلمه مها امکان را نگفتم تا نتوانم این عنوان از زیر بار مسئولیت خودم را خارج بکنم و بتوانم دفاعی که لازم است از هر مقامی که با آنها حمله میشود و بی احترامی میشود دفاع بکنم (احسن است) کلمه مها امکان را نگفتم که قرار نکنم (همه نمایندگان) در مقدمه ناچارم (دکتر طبا - معنی مها امکان این نیست) برای اینکه اگر دیدم برای خودم هم خطری در پیش باشد ولی وظیفه ملی خودم را انجام بدهم اگر حمله شد با آقای دکتر مجتهدی ناجوانمردانه من وظیفه دانسته باشم از آن گوشه صندلی فریاد بزنم آقا اینطور نیست دکتر مجتهدی مرد با هرف و با کداملی است (صحیح است) (همه نمایندگان)

رئیس - آقایان بگذردی گوش بدهید چه میگویند، هر چه میکنم آقایان گوش نمیدید
دکتر طبا - آقای رئیس مها امکان را ایشان بدجوری ترجمه کردند
بانماقلیج - درست است آقا درست است در مقدمه ناچارم عرض کنم که شایسته این جایگاه مقدس نیست که بعضی از همکاران معترم از سکوت مجلس و مصونیت استفاده کرده تا سخن بر عرض و ناموس مردم را وسیله اشتهاار خسوش قرار دهند این مجلس ملی است و در دیوار آن حاجب ماورا نمی باشد با جهان خارج بیواسطه مربوط است و سخنان آنرا خودی و بیگانه گوش میدهند در کدامیک از پارلمانهای جهان ناطقی مجاز است که شرافت و حیثیت اشخاص نامی کشور را بیاد بدنامی بدهد (دکتر طبا - اسم ببرید) بدمعرض میکنم بنده ۵ جلسه این جا صحبت میکنم (خنده و همه نمایندگان) (زنک رئیس) مگر مشکل است آقا که من هم از زمان مدرسه خودم شروع کنم صحبت کردن بگویم آنها کجا بودند مثلا بگویم آقای دکتر متین دفتری در آن مدرسه ای که من تحصیل میکردم بودند نخست وزیر شدند و جواد فروری بود در پاریس چه شد و یکی دیگر کاری ندارد حرف زدن میخواهد من ششماه حرف بزنم (خنده نمایندگان) در کدامیک از پارلمانهای جهان مجاز است که ناطقی شرافت و حیثیت اشخاص نامی کشور را بیاد بدنامی بدهد (دکتر طبا - اسم ببرید) و افرادی را آورده و هر کین سازد که حضور ندارند و در خارج بکار خود مشغولند و نمی توانند از نسبت ها و تهمت هایی که بایشان زده میشود دفاع

نمایند (صحیح است) (همه نمایندگان) آقای مهندس رضوی آستین همت بالا زدند و نام جمعی از بهترین افراد وظیفه شناس و جدی کشور را بدون ارائه سند و مدرک بیان آورده و مدعی شدند و خود قضاوت کردند و خود ایشان را محکوم کردند و خود حکم نهائی بر طایفه ایشان صادر نمودند و هریک را باصعبت و تهمت محکوم ساختند (در این موقع جلسه از اکثریت افتاد)

رئیس - قدری تأمل بفرمائید
بانماقلیج - من که خواهم کردم از آقای رئیس که فردا جلسه باشد
رئیس - فردا هم همین است، مگر فردا فیراز این است (مجدداً اکثریت حاصل شد) پیشنهاد عصر رسیده ولی حالا اکثریت هست صحبت کنید قبل از ساعت یک بعد از ظهر جلسه را ختم نمی کنم
بانماقلیج - آقای مهندس اینجا معسکه نیست و ما اینجا جمع نشده ایم که برای افراد بیرونده بدنامی و نیکنامی بسازیم و تصور اینکه ملت ما را معق و طایعناست فرض کرده بپیل و دلخواه خود مردم شرافتمند و با حیثیت و شریف مملکت را خفیف و بی ارزش جلوه دهیم و آنان را از ادامه خدمت مایوس و متاثر سازیم خوب بود ناطق معترم که مدعی فضیلت هستند بیش از این در نتیجه و مال فرمایشات خود تأمل و دقت میکردند (دکتر مجتهدی - حالا گذشته ها گذشته از برنامه دولت دفاع کنید آقا اگر گفتند که آقای دکتر مجتهدی یک کسی را کشته و در چاه انداخته من باید پشت این تریبون آمده و بگویم این کار نشده من چند مرتبه بگویم آقا شتابه کردم اطلاعات ناقص بود (دکتر طبا - شما روشن کنید ببینیم که اتهامات ایشان وارد نبود) آقای دکتر طبا قدری حوصله کنید ممکن است من اولش یک خوردند لکن داشته باشم ولی بعد خدمت همگی میرسم (خنده متد نمایندگان) بیانات آقای مهندس رضوی اصولاً از چندین لحاظ قابل تحلیل است اولاً مسائلی که در باب شیلات و شرکت نفت و موارد مختلف آن شرکتهایان داشتند بسیار بجا و مورد قبول عموم نمایندگان معترم میباشد (صحیح است) اما ایشان فراموش کردند راجع به دوائی صحبت میکنند که برنامه اش مطروح است و هنوز وارد عمل نشده و نباید جرایم قرنها را بحساب دولت تازه وارد گذاشت و مسئولیت فساد چندین ساله ای که حتی ریشه آن در دل تاریخ نهفته است متوجه آن دولت نمود و جبران فلت سیاستمداران بی قرن گذشته را از تصدی چند روزی ایشان انتظار داشت مگر می شود گفت که آقا شما همین ساعت و حتی همین امروز تمام اینکار هارا اصلاح کنید این تئوریمان است چون من اهل کارم (خنده شدید)

بخشنامه

شماره ۴۴۶۲ ر ح ۲۴۰۹۹ ر ۲۵ ر ۱۳۲۲۷

بخشنامه بعمرم دادگاههای بخش اعظم از مرکز و شهرستانها و مامورین صلح

در مواردی که رونوشت مصدق از سندی تقاضا شود که رسیدگی بدعوی مربوط بآن در صلاحیت دادگاه بخش باشد مطابق ماده ۶۹۱ آئین دادرسی مدنی دو ریال هزینه بآن تعلق میگیرد و چنانچه از سندی رونوشت خواسته شود که مربوط بدعوی در صلاحیت دادگاه های بالاتر باشد باید سه ریال تمبر شود بنا براین لازم است که ضمن گواهی رونوشت اسناد مراتب فوق را رعایت نمایند
م - ۴۸۰۱ وزیر دادگستری

طبایر خورد شده بود (خنده و مهمه نمایندگان)
۲- موقع و دستور جلسه بعد
تعطیل جلسه بعنوان تنفس

رئیس - آقای بانانقلیچ بگذارید برای جلسه بعد، يك پیشنهادی رسیده که بعد از ظهر جلسه تشکیل شود و پیشنهاد کرده اند مادام که برنامه است صبح و عصر جلسه باشد، قرائت می شود .
(شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد مینمایم مادام که برنامه دولت مطرح است صبح و عصر جلسه تشکیل شود .

دهقان - بنده مخالفم (مهمه نمایندگان)

رئیس - باعصر آقایان موافق هستند ؟

بعضی از نمایندگان - خیر فردا صبح
(مهمه)

رئیس - من از مجلس سؤال میکنم و نظر مجلس را بدست میآورم ، بنابراین جلسه فردا صبح ساعت ۹ .

(بنجاه دقیقه بعد از ظهر جلسه بعنوان تنفس ختم شد)

نمایندگان) و اهل حرف نیستیم در پشت میزهای کارشان می نشینند و اشکالات دولت های وقت را اساساً نمیروند ببینند و نه وارد میشوند مگر آنرا که سپید احمدی بحرین را ۲۴ ساعته بگریز می شود آقا ، سپید امیر احمدی لازمه اش این است که مجلس موافقت کند تصویب بکند بلند شوند بنشینند تا سپید احمدی عده اش را حاضر کند برود بحرین را پس بگیرد (خنده نمایندگان) گاهی من می شنوم میگوبند ارتش ایران در شهر یور ایستادگی نکرد من ، قتی کسی این حرف را میزند بریروز هم آقای دکتر معظمی گفتند که من يك احترام زیادی برای آقای دکتر معظمی قائلم ایشان مردی شریف وارد وبدون فرضی است و این يك موضوع را از ایشان بید میدام اگر ما آنروز ایستادگی میکردیم ، دیدند مرحوم رضاشاه از سلطنتش حاضر است بگذرد و بادست خودش ایران را تحویل نهد و ناچار است والا تمام ایران کن فیکون میشد تمام راجع میگردند و میگوبیدند ، و آنوقت الان بهادری که وزیر جنگ امروز میخواهد باشد اینجا نبود وزیر آن بجای